

سرود

**“ای ایران ای مرز پر گهر”
فاشیستی است!**

محسن ابراهیمی

مندرج در انترناسیونال ۹۳۲

سال ۱۳۲۳ است و فضای جنگ جهانی دوم همه جا را فرا گرفته است. رضا شاه گرایش به آلمان دارد و ایران در اشغال ارتش روسیه و انگلیس است. گرایش به آلمان بخشهایی از فضای فکری و فرهنگی ایران را فرا گرفته است. روزی حسین گل گلاب شاعر، در خیابان درگیری دو سرباز ایرانی و انگلیسی را می بیند که در آن سرباز انگلیسی به سرباز ایرانی سیلی می زند و سرباز ایرانی به خاطر شرایط اشغال از خودش دفاع نمی کند. در چنین فضایی است که ایده سرود "ای ایران ای مرز پرگهر: به شاعر الهام میشود. او با چشمانی اشکبار به دیدار روح الله خالقی میرود و میگوید شعری خواهد سرود که ایران و روح ایرانی در آن زنده ماند. خالقی هم برای شعر آهنگ حماسی میسازد

و بنان هم خواندن سرود را به عهده میگیرد و به این ترتیب سرود "ای ایران ای مرز پرگهر" متولد میشود. سرودی که سی سال تمام در برنامه های صبحگاهی دوران سلطنت پهلوی پخش میشود. بعدا در دوران جمهوری اسلامی در جنگ خانمانسوز ایرن و عراق هم این سرود در کنار سرودهای جنگی اسلامی پخش میشد تا سربازان بخت برگشته برای رفتن به کام مرگ تهییج شوند و "مرز پرگهر" را برای چپاول گوهرهایش توسط آیت الله های میلیاردی حفظ کنند. خاکپرستان طبقه حاکم در عراق هم البته جوانان بخت برگشته را با سرودی مشابه، سرود "ارض الفراتین" (سرزمین دجله و فرات) به کام مرگ میفرستادند تا "مرز پرگهر" عراق را برای طبقه حاکم حفظ کنند.

ترجیع بند همه سرودهای فاشیستی: خاک
همه چیز، انسان هیچ چیز!

خاک و البته خون به عنوان دوقلوی همیشگیش
در ادبیات ناسیونال-فاشیستی همه کشورها
در همه اعصار مقدس ترین مقدسات است.
ناسیونالیسم ۳۰۰ سال پیش با ناسیونالیسم
قرن بیست و یک، ناسیونالیسم آلمان نازی با
ناسیونالیسم ایرانی و روسی و هندی در این
مورد فرقی ندارند. خاک و خون باهم و در
کنار هم باید آنچنان فضای حماسی بوجود
بیاورند که شهروندان آن خاک حاضرشوند
خون مردمان خاکهای دیگر را بریزند، خون
خودشان را به خاطر خاک خود نثار کنند حتی
اگر در آن خاک جز رقت و حقارت و بی حقوقی

سهمشان نباشد. خلاصه خون بدهند و خون بریزند، اما چیزی که این وسط مهم نیست و نباید باشد این است که خود آدمیزاده در آن خاک چگونه زندگی میکند. آن خاک برای آن انسان چه دارد و چه ندارد!

شگفت آور نیست که یک تحقیق مقایسه ای در باره ناسیونالیسمهای دوآتشه همه کشورها و خونهایی که به نام خاک ریخته اند نشان میدهد که در سرودهایشان یک مضمون و یک پیام و یک احساس را به زبانهای مختلف بیان شده است. فقط به عنوان چند مثال، یک بند سرود ملی ایتالیای فاشیست این است: "برای مرگ آماده‌ایم، برای مرگ آماده‌ایم، ایتالیا ما را فرا خوانده، بیایید تا هم جوخه شویم، آماده‌ایم"

برای مردن، برای مرگ آماده‌ایم، ایتالیا ما را فرا خوانده‌است!“ در سرود ملی ترکیه این عبارات را می‌بینیم: تا زمانی که آخرین اجاق آتشین بر فراز کشورم روشن است، آن ستاره ملت من است که خواهد درخشید، آن تنها متعلق به من و ملت من است!“ در سرود ملی ”ارض الفراتین“ عراق دوران صدام حسین هم این خاک سرزمین دجله و فرات است که مقدس است مستقل از اینکه صدام و آدمکشانش چه بر سر ساکنین آن خاک می‌آوردند.

غم انگیز است اما در همان جمهوری اسلامی که جوانان را به نام ”مرز پرگهر“ روی مین‌ها می‌فرستادند، آقازاده‌های خاک پرست یعنی همان ”برادران قاچاقچی“ کرور کرور از

خاکهای معدنی و زراعی و حتی خاک معمولی را از استانهای جنوبی در قبال پولهای هنگفتی برای شیوخ قطر و امارات قاچاق میکردند که امروز با آن خاکها شهرها و جزایر جدید مصنوعی ساخته شده اند.

همیشه اینطور بوده است. کشته شدن همراه با سرودهای حماسی فاشیستی نصیب توده های محروم بوده است و ثروت و مکنتی که در همان خاک اتفاقا توسط همان توده های محروم و کارگر خلق شده اند نصیب طبقات دارا و حاکم.

محتوای مشخص سرود ای ایران!

انسان مهر می ورزد. انسان عشق میورزد.
ناسیونالیسم - مثل دین - این زیباترین توانایی
بشری را به نیرویی مخرب علیه خود همین
بشر تبدیل میکند. فقط کافیست ناسیونالیسم
بتواند احساس و عواطف انسانی را به عشقی
کور به خاک و پرچم، نفرتی کور به بیگانه، یعنی
همان ممنوع انسان در خاکی دیگر تبدیل کند
تا غم انگیزترین تراژدی های انسانی خلق
شوند. سرودهای ناسیونالیستی-فاشیستی
در این میان همیشه نقش مهمی ایفا کرده اند.

بیاید کمی روی سرود ای ایران دقیق شویم و
بینیم چطور در این سرود همه چیز هست جز
خود انسان، جز احترام به انسان، جز منزلت
انسانی.

مطلع سرود این است: "ای ایران ای مرز پر
گهر، ای خاکت سرچشمه هنر!" مطلعی که با
این دو بیت تکمیل میشود: "سنگ کوهت در
و گوهر است، خاک دشتت بهتر از زر است!"

یک لحظه از معانی استعاره ای عبارات این
سرود صرف نظر کنیم. حتی معنای واقعی این
کلمات هم ربطی به واقعیات ندارد و سرشار
از دروغ و دغل و فریب است. یک چهارم
حاصلخیزترین خاک کره زمین در اوکراین
است که نازیهای خاکپرست کرور کرور به
آلمان منتقل میکردند. بزرگترین معادن الماس
جهان که یکی از مواد معدنی در کتگوری گوهر
است، در روسیه و آفریقای جنوبی و استرالیا

غربی واقع شده اند. معلوم نیست خاک دشت ایران هم که پر از کویر است چرا باید بهتر از زر تلقی شود.

بیت دوم یعنی "ای خاکت سرچشمه هنر" که بیان دیگری است از "هنر نزد ایرانیان است و بس"، اوج خودخواهی و خودشیفتگی خاک پرستانه و ناسیونالیستی برتری طلبانه و نژادپرستانه است. ایران هم مثل همه کشورها و همه گوشه های این کره خاکی حتما هم سرچشمه هنر بوده است و هم بستر شکل گیری و تکوین انواع ایدئولوژی ها و خرافات و عقاید عقب مانده و ابلهانه و صد البته هیولاهای هنرکشی مثل جمهوری اسلامی. آیت الله هایی که هر چه از هنر و فرهنگ و تمدن پیشرو بشری

است را به تباهی کشانده اند؛ آیت الله هایی که همه معیارها و موازین انسانی را لگدمال کرده اند، محصول همین "سرچشمه هنر" هستند. این را هم فراموش نکنیم که خیلی از غولهای هنری مثل داوینچی و ونگوگ و پیکاسو و چاپلین و بتهون و موتزارت و مارلون براندو و آل پاچینو و خیل عظیمی از هنرمندان تاثیر گذار در تاریخ بشریت متعلق به خاکهای دیگری هستند و البته آثار هنری ماندگارشان نصیب همه انسانهای کره خاکی شده است.

در سرود "ای ایران"، خودشیفتگی ناسیونالیستی در باره "مرز پرگهر و سرچشمه هنر" حد و مرزی ندارد. نارسسیسیسم بیمارگونه در این سرود خاک را پرستش میکند تا با بیت

”ایران ای خرم بهشت من، روشن از تو سرنوشت
من“، سرنوشت شهروندان یک کشور را به
نیرویی خارج از خود این انسانها، به خاک گره
بزند و بعد با بیت ”تا گردش جهان و دور آسمان
بپاست، نور ایزدی همیشه رهنمای ماست“،
”خاک پر گهر“ را به آسمان و خدا وصل کند که
تقدس خاک و مرز با یک هاله مذهبی تکمیل
شود.

مرز که پر گهر باشد، خاکی که بهتر از زر باشد،
سرچشمه هنر باشد و دست آخر نور ایزدی هم
همیشه راهنمایش باشد، واقعا نباید در قلمرو
مقدس ترین مقدسها جای گیرد؟ در راه چنین
موجود مقدسی است که سرود ”ای ایران“ با
کلمات پایانی ”در راه تو، کی ارزشی دارد این

جان ما“ فراخوان کشتن و کشته شدن میدهد!

شاید گفته شود این کلمات جلوه ای از یک وطن دوستی عاطفی است. تعلق خاطر به کشور و محل زندگی است. تعلق خاطر و علاقه به کشور و محل تولد و محل زندگی و تحصیل و غیره وجهی پایدار از عواطف همه انسانهاست. انسان با خاطره زندگی میکند و جایی که انسان کودکی و نوجوانی و جوانی و سالهای عمرش را گذرانده همه این خاطرات را تداعی میکند. کلماتی که جاهایی حتی حاکی از یک برتری طلبی نژادپرستانه است چه ربطی به رابطه انسان با خاطراتش و جغرافیای آن خاطرات دارد؟

طنزی دلنشین در این اتفاق نهفته است که فریدون فرهی، خواننده ای که ترانه محبوب "گل کو، گلاب کو" از آثار شناخته شده اوست، ابیاتی از سرود متعلق به "گل گلاب" را بازنویسی کرده و خودش هم اجرا کرده است که بسیار شنیدنی است. در بازنویسی او این عبارات برجسته هستند: "دشمن تو آشکار و در همین سراسر... آزادی بهتر از گوهر است، کی در تو انسان برابر است... خود برتر از دیگران مبین، خاکت مثل خاک دیگر است". فریدون فرهی در توضیح بازنویسی این سرود خاک و خون محور با نگاهی انسان محور و پیشرو و انسانی در مصاحبه‌ای گفته است که اثر جدیدش "پاسخ انسانیت مترقی است به این فرهنگ عقب افتاده ناسیونالیستی و ارتجاعی که دهها

سال است توسط راست سیاسی ایران به مردم تلقین می‌شود“ و استنتاج کرده است که ”این زمین و خاک و ایدئولوژی‌ها و دولت‌ها هستند که باید فدای انسان‌ها شوند.“

جمهوری اسلامی و سرود ”ای ایران“!

با کمی وقت گذاشتن و سرچ کردن در سایتهای جمهوری اسلامی متوجه میشوید که مدتهاست رسانه های این حکومت در مدح و ثنای سرود ”ای ایران“ پای همدیگر را لگد میکنند. خبرگزاری فارس احساس غرورش نسبت به این سرود را خطاب به خوانندگان این چنین توصیف میکند: ”شاید شما هم هر بار با شنیدن سرود ”ای ایران ای مرز پرگهر“، احساس غرور

کرده اید و نیرویی حماسی، سراپای وجودتان را در برگرفته باشد.“ در سایت صدا و سیما جمهوری اسلامی سرود ”ای ایران“ اینچنین توصیف میشود که ”سرودهای حماسی ملی و ماندگار قادرند جامعه را ترغیب و تشویق به اتحاد و دفاع از هویت تاریخی و سیاسی نمایند.“ افتخار ثبت ملی سرود ای ایران هم که نصیب دولت حسن روحانی شد که نقش مستقیم در گسیل جوانان به کام مرگ به نام اسلام و وطن و خاک و سرزمین داشته است. برای جمهوری اسلامی که قرار بود برای امت اسلام در تمام دنیا ولایت فقیه اسلامی راه بیندازد، چرا سرود ”ای ایران“ آنقدر اهمیت پیدا میکند که در شبکه های تبلیغاتی برای مدح و ثناراه بیندازد؟ مگر این سرود محصولی

از دوران "طاغوت" نیست؟ مگر این سرود در نظام سلطنتی آنقدر ارج و قرب نداشت که هر روز صبح از رادیوی سراسری پخش میشد؟

در جمهوری اسلامی از لحظه ای که معلوم شد ایدئولوژی اسلامی نه تنها کمکی به بقایش نمیکند بلکه به مشکلی برای بقایش تبدیل شده است، توسل به ایدئولوژی ناسیونالیستی در دستور قرار گرفت. احمدی نژاد و حلقه اش در این مورد پیشتاز شدند. ماجرای حضور احمدی نژاد در کنار مقبره کوروش در کنار سربازانی با قیافه و لباس سربازان کوروش و چفیه انداختن بر گردن آنها و آوردن لوح کوروش از موزه لندن و چرخاندنش با سلام و صلوات در ایران را حتما همه به خاطر دارید.

وقتی اینها را در کنار ماجرای غوغا بر سر نام خلیج در مجله نشنال جئوگرافیک میگذارید که در جریان آن سلطنت طلبان و آیت الله ها باهم اشک ریختند و باهم وعده فداکاری تا پای جان را دادند، معلوم میشود که تقدس "خاک و خون" خاصیت مشترکی برای نظامی که سقوط کرد و نظامی که به جایش نشست دارد. خاک و میهن و ملت و مرز و غیره برای هر دو نظام ابزارهای تبلیغی هستند که به نام آنها منافع طبقه حاکم و سرمایه دار را به عنوان منافع همه جا بزنند.

سرود "ای ایران" دوشادوش "حیدر حیدر"!

چند سال پیش، بعد از خبر آزار جنسی دو زائر

جوان ایرانی در فرودگاه جده توسط شرطه های عربستان، صدا و سیما در حماسه سازی از "وطن و ناموس وطن شیعی در مقابل عربهای سنی وهابی" سنگ تمام میگذارد. همان صدا و سیمایی که ۴۲ سال است سخنگوی تبلیغاتی آیت الله های حاکم بوده که تجاوز به دختران زندانی را سازمان داده اند. تجمعی در مقابل سفارت عربستان راه میاندازند که در آن عده ای با پرچم ایران و سرود "ای ایران ای مرز پر گهر" در کنار عده ای دیگر با پرچم سبز "یا امیرالمومنین" و نعره حیدرحیدر" از "ناموس هموطن شیعی در مقابل تجاوز عرب سنی" دفاع میکنند! همین طیف در شبکه های اجتماعی با عباراتی مثل اعراب ملخ خور و سوسمار خور بازار استهزا و توهین به عربها را

راه می اندازند. همزمان در میان همین طیف
آهنگ تماما فاشیستی "عرب کش" بهزاد پکس
به اشتراک گذاشته میشود که در آن خواننده
دست به دامن کورش میشود که "کورش بلند
شو که وطن بوی تجاوز میدهد... گربه وحشیه
دنیا رو ببین که حرفشه همه جا، قاسم سلیمانی
داره که یه ارتشه همه جا" و "اینجا ایرانه احمق
بوی خون میده خاکش، اینجا سپاه کوروشه نه
گروهک داعش، سر خاکش میجنگیم پس تا
هر زمانی بگیم،... قسم به خلیج فارس اسمتو
از دم میبریم، کنار قبر کورش همه رو گردن
میزنیم... اسم ایرانمو نیار بکن شتر سواریتو،
شیری که با غرشش دنیا رو عقب برد، تو مُخت
فرو کن اسمش ایرانه ملخ خور،... اینجا از این
به بعد به من میگن عرب کش..."

این اتفاق بسیار سمبلیک است. حقیقتی را بیان میکند. آن چه انگیزه و چه فضای فکری و روحی مشترک است که کورش و قاسم سلیمانی و سرود ای ایران و حیدر حیدر و پرچم ایران و پرچم سبز امیرالمومنین را در کنار هم قرار میدهد تا به نام ناموس وطن از عرب کشی دم بزنند؟ اعتراض به آزار جنسی؟ مطلقاً چنین نیست. تنها چیزی که در این شو مشمئز کننده واقعاً نیست اعتراض به آزار جنسی است. این بهزاد عرب کش کجا بود وقتی که قاضی هموطن شیعی خالص ایرانیش در شهر نکا طناب دار را بر گردن عاطفه رجبی، این دختر معصوم انداخت که توسط تجاوزگران نظام اسلامی صد درصد ایرانیش مورد تجاوز

قرار گرفته بود؟ چرا فاشیستهای ایرانی وقتی جان ریحانه جباری را به "جرم" دفاع از خود در مقابل یک متجاوز از وزارت اطلاعات میگرفتند، نه سمفونی درست کردند و نه در مقابل وزارت اطلاعات متجاوز سرود خواندند؟

با یادآوری این اتفاق می خواهم این سؤال را برجسته کنم که در مملکتی که جنایتی در سطح تجاوز به دختران جوان در زندان هایش رخ داده است، در مملکتی که سرشار از اخبار تکان دهنده تجاوز جنسی مقامات اسلامی حاکم در پناه دستگاه قضایی تجاوزگرش است، چطور سرود "ای ایران" جایی ظاهر میشود که به قول خودشان "عربها به ناموس هموطن" تجاوز کرده اند؟! دلیلش روشن است. یک رکن

مهم ناسیونالیسم نژاد پرستانه ایرانی تحقیر
عربها است. سرود "ای ایران" دقیقا به خاطر
محتوای فاشیستی و نژادپرستانه اش میتواند
راهش را به تجمع ناسیونال - فاشیستی در
مقابل سفارت عربستان باز کند.

از حامیان ایدئولوژیک تا مردم معترض!

این روزها جنبش سرنگونی جمهوری اسلامی
در ایران در حال اوج گرفتن است. در خارج
کشور هم تجمعات و تظاهرات اعتراضی
متعددی با هدف سرنگونی با حضور جمعیت
وسیع و با شرکت طیفهای مختلف سیاسی در
جریان است. بعضا در شروع این تجمعات سرود
"ای ایران" پخش میشود. این سؤال مطرح

است که اگر کسی محتوای سرود "ای ایرن را" نژادپرستانه، ناسیونالیستی و فاشیستی میداند، میتواند در این تجمعات شرکت کند؟ در میان بخشهایی از چپ این بحث مطرح است که نباید در چنین تجمعاتی شرکت کرد. نقطه تمرکز بحث حاضر این سؤال و پاسخش نیست که بحثی جداگانه و مفصل لازم دارد. اینجا من فقط به چند نکته بسنده میکنم و بحث مفصل را به فرصتی دیگر موکول میکنم.

- در نقد و افشای این سرود نباید کوتاهی کرد. محتوای این سرود را به هر شکل ممکن باید افشا کرد. یک وجه مبارزه با طبقات حاکم، مقابله با افکار و آراء و خرافه های سیاسی است که تولید میکنند و به کار میگیرند.

● حساب جمعیت شرکت کننده در تجمعات اعتراضی را باید از حساب سلطنت طلبهای ایدئولوژیک جدا کرد. این دو در یک کتگوری نیستند. یک ناسیونالیست دو آتشه سلطنت طلب با سرود "ای ایران" دنبال تبلیغ ناسیونالیستی و عظمت طلبانه اش هست. اما خیلی از افراد در حمایت از جنبش سرنگونی مردم ایران در این تجمعات حضور پیدا میکنند. این جمعیت را باید مخاطب قرار داد.

● با تمام توان باید تلاش کرد پودיום سخنرانی در تجمعات اعتراضی علیه جمهوری اسلامی محل این یا آن سرود و این یا آن پرچم نباشد که سخنران ناگزیر با پرچم یا سرودی تداعی شود که مغایر با اعتقاد سیاسی اش

است. موفقیت در این امر منوط به حضور فعال شخصیت‌های بانفوذ کمونیست در تدارک و سازماندهی چنین اعتراضاتی است. تجربه‌های متعددی نشان داده است که این ممکن است.

- مبارزه سیاسی دور خود چرخیدن در محافل خودی نیست. تلاشی برای تغییر افکار و جابجا کردن نیروهاست. باید جایی حضور داشت و حرف زد و سخنرانی کرد و تبلیغ کرد که مردم معترض حضور دارند. تجمعات وسیع را نباید خالی گذاشت تا نیروهای راست میدان داری کنند.

۱۳ مرداد ۱۴۰۰، ۴ آگوست ۲۰۲۱

وب سایت:

www.wpiran.org

تماس با حزب:

پیامگیر تلگرام: **wpi_tamas@**

و یا با ارسال پیام به شماره

۰۰۴۶۷۰۰۴۴۷۴۲۵

از طریق سیگنال، واتساپ و تلگرام و اینستاگرام